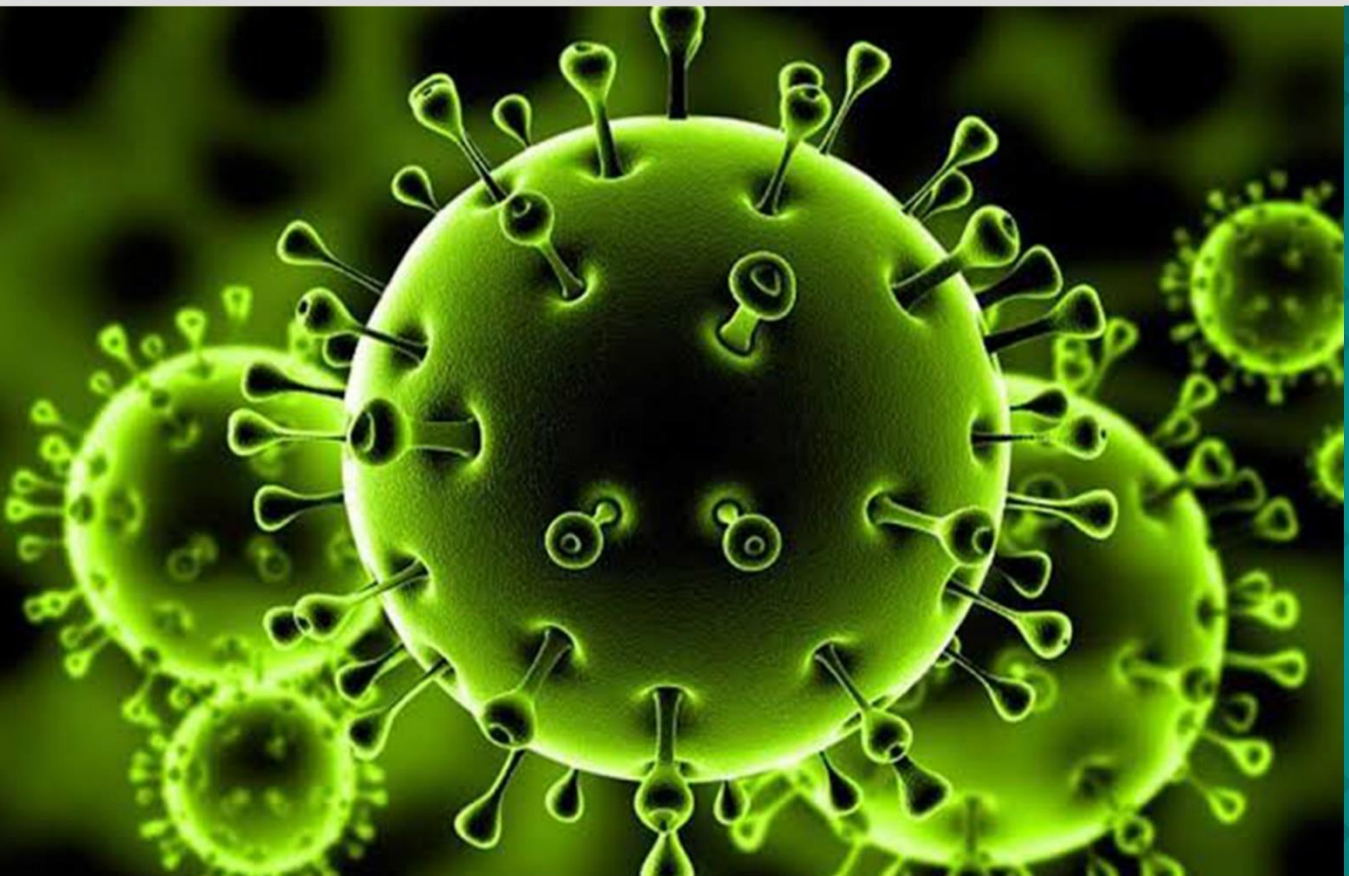


مرکز مطالعات اسلامی بینش  
WWW.BINESH.CC

# مزایای اسلام در زمان شیوع وبا

ویراست یکم



نویسنده: دکتر سلطان العمیری

ترجمه: واحد ترجمه بینش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مزایای اسلام در زمان شیوع وبا

تالیف: سلطان العمیری

ترجمه: امید بیجاری

ویراست نخست - فروردین / حمل ۱۳۹۹

[www.Binesh.cc](http://www.Binesh.cc)



مرکز مطالعات اسلامی بینش

مزایا و فضایل اسلام همواره در هر دوه و برهه‌ای متجلی می‌شود و در این وبای عظیمی که طول و عرض کره‌ی خاکی را درنوردیده این مزایا در قالب‌ها و شکل‌های گوناگونی رخ می‌نماید.

معطوف کردن دیدها به این محاسن و مزایا در این شرایط دشوار یکی از واجب‌ترین وظایف دعوتگران است؛ چرا که این کار موجب ثابت قدم ماندن مسلمانان و تقویت یقین و باورهای آنان خواهد شد و باعث می‌شود از امتیازات احکام الهی خشنود شده و از شبهات اسلام ستیزان متأثر نشوند.

از مهم‌ترین مزایا و نیکی‌های اسلام که در زمان انتشار این بیماری بزرگ نمایان شد شمولی بودن آن است؛ محاسنی که مجال معرفتی و ایمانی و مجال اخلاقی و دیگر زمینه‌ها را در بر می‌گیرد.

این کمال و شمولیت را مردم جز در اسلام و شرایع شگرف و نظام فاخر آن نخواهند یافت. دیگر ادیان اما چه بسا برخی از این محاسن را دارا باشند اما از همه‌ی آن برخوردار نیستند و آنچه در آن ادیان وجود دارد قابل مقایسه با آنچه اسلام بدان فرا می‌خواند نیست.

با نمایان شدن این معانی با ارزش سزاوار است هر مسلمانی با صدای بلند به دین خود افتخار نموده و از مسلمان بودنش ابراز خرسندی کند.

از مزایای اسلام در زمان انتشار وبا و بیماری‌های واگیردار می‌توان به گستره‌ی افق نظری اشاره کرد؛ این با توجه به نصوص شرعی است که اسباب پیدایش بیماری‌ها را بر حسب طبیعت و احکام آن به دوسته تقسیم می‌کند: برخی از آن‌ها اسباب این جهانی

دارند که به عملکرد انسان و تجارب و علوم دنیوی او مرتبط است و برخی دیگر به اسباب دینی گره می‌خورند که عبارت‌اند از طاعات و گناهان که شارع آن‌را در رویدادها مؤثر نموده و یا حکم بر تأثیرگذار بودن آنان کرده است.

چه بسا یک بیماری به چند سبب منتشر شود نه یک سبب؛ کما این‌که این بیماری و ویروس اسباب مادی این جهانی دارد، همچنین امکان دارد اسباب دینی نیز داشته باشد که به گناهان مردم و نافرمانی آن‌ها و دور شدنشان از خداوند باز می‌گردد. چندی پیش در مقاله‌ای با عنوان «شیوه‌های شرعی در تفسیر رویدادها» به این اسباب اشاره کردم. این قضیه نشان می‌دهد خرد مسلمان در تفسیر رویدادها و تعامل با آن تفاوت‌هایی با دیگران دارد و یک مسلمان رویدادها را با سنجه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد، بر خلاف مادی‌گرایانی که تنها به بُعد مادی رویدادها می‌نگرند و این خود نشان می‌دهد تفسیر یک مسلمان در چنین رویدادهایی متفاوت با کسانی است که به تنوع اسباب ایمان ندارند.

از مزایای اسلام در زمان انتشار و با، دامنه‌ی وسیع امید است؛ یک فرد مسلمان با وجود دردهایی که تحمل می‌کند و احتیاط‌هایی که برای حفظ سلامتی خود به خرج می‌دهد یقین دارد که هر دردی دواپی دارد و این ایمان نه صرفاً از روی تجربه‌ی زندگی است که چه بسا مبدل به نومیدی شود، بلکه از روی ایمان به خبر راستینی است که از طریق وحی نازل شده است. ابوهریره - رضی الله عنه - روایت کرده که رسول الله - صلی

الله علیه وسلم - فرمودند: «خداوند هیچ دردی نفرستاده مگر این‌که برای آن دارویی نازل کرده است»<sup>۱</sup>.

شیخ عبدالرحمن السعدی در رابطه با این حدیث می‌گوید: «عمومیت این حدیث این را می‌رساند که همه‌ی بیماری‌های ظاهری و باطنی داروی‌هایی دارد که آن‌را از بین می‌برد یا از تأثیر آن می‌کاهد و در همین رابطه دین به آموزش پزشکی و شیوه‌های درمان بدن تشویق نموده همان‌گونه که به درمان دل‌ها و بیماری‌های قلبی درونی پرداخته است و این خود یکی از اسباب سودمند است و در حقیقت همه‌ی اصول پزشکی و تفصیل آن شرح این روایت است؛ چرا که شارع به ما گفته است که هر دردی دوايي دارد. لذا سزاوار است برای آموختن آن تلاش نموده و پس از آموزش در میدان عمل از آن استفاده کنیم. پیش از این مردم تصور می‌کردند که بسیاری از بیمارها مانند سل و غیره هیچ درمانی ندارد، اما با پیشرفت علوم پزشکی زمانی که داروی این بیماری‌ها کشف شد مردم مصداقیت این روایت را دریافتند»<sup>۲</sup>.

آری، مسلمان به دنبال دارو می‌رود و نا امید نمی‌شود، اما تفاوت است میان کسی که نمی‌داند آیا این دارو وجود خارجی دارد یا نه و کسی که معتقد است دارو وجود دارد اما او باید برای رسیدن به آن تلاش کند.

---

۱ - به روایت بخاری (۵۶۷۸).

۲ - بهجة قلوب الأبرار وقررة عیون الأخیار (۱۴۷).

ملا علی قاری در بیان تأثیر روانی این ایمان بر بیمار و پزشک می‌گوید: «بدان که این روایت‌ها مایه‌ی تقویت روحیه‌ی بیمار و پزشک بوده و آن‌ها را برای جستجوی دارو و درمان تشویق می‌کند و از درد و رنج بیمار می‌کاهد، زیرا اگر انسان یقین داشته باشد که دردش درمانی نیز دارد امیدش تقویت شده و گرمی غریزی‌اش برانگیخته می‌شود، در نتیجه روح و روان و جسم او نیز تقویت شده و به مبارزه با این بیماری و غلبه بر آن می‌پردازد»<sup>۱</sup>.

این خود نشان می‌دهد که ایمان به وجود دارو و درمان موجب تقویت نفس و امید انسان بوده و سبب مهمی برای دفع تأثیر بیماری در بدن است.

از مزایای اسلام در زمان انتشار و با تقویت امنیت است. مسلمان به‌مانند دیگران به بیماری‌ها و امراض مسری گوناگون مبتلا می‌شود اما در احساس امنیت و آرامش و اطمینان، مانند دیگران نیست.

او با وجود ترس طبیعی که بر وی مستولی می‌شود و احتیاط‌هایی که اتخاذ می‌کند ایمان دارد که اگر به خداوند توکل کند، او عهده‌دار امورش خواهد بود. او به این گفته‌ی خداوند ایمان دارد که:

{وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ} [طلاق: ۳]

(هرکس بر الله توکل کند او برایش کافی است).

---

۱ - مرقاة المفاتیح شرح المصابیح (۷/۲۸۶۰).

این آیه خود کافی است که همه‌ی ترس‌هایی که مادی‌گراها از آن رنج می‌برند را از مسلمان دور کند. شاید مسلمان از بیماری بترسد اما یقین و باور دارد که خداوند او را حفظ می‌کند و یاری‌گر او خواهد بود، در نتیجه قلباً احساس آرامش و امنیت می‌کند و ترسش کاهش یافته و یا از بین می‌رود.

انسان مسلمان ایمان دارد هر بلایی که نازل شود او تحت تدبیر پروردگار لطیف و رحیم است. او به این گفته‌ی خداوند باور دارد که می‌فرماید:

{اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ} [شوری: ۱۹]

(الله نسبت به بندگانش صاحب لطف است).

و از معانی صفت «لطیف» خداوند این است که بندگانش – بویژه مؤمنان – را از جایی که می‌دانند و از جایی که نمی‌دانند به آن چه که برایشان بهتر است می‌رساند<sup>۱</sup>.

انسان مسلمان قلباً یقین و باور دارد هر آن چه خدا مقدر کند – از جمله وباهای بزرگ – همه‌ی این‌ها از روی خیرخواهی است، در نتیجه احساس آرامش می‌کند. او همانند یک مادی‌گرا نیست که تنها به ماده‌ای بی‌هدف و بی‌حکمت و بی‌اراده باور دارد.

انسان مؤمن باور دارد هر بلایی نازل شود او تحت تدبیر پروردگاری مهربان و مہروز است. کسی که مہرورزی را بر خویش واجب نموده و مہرش بر خشمش پیشی گرفته، بلکه او برای انسان از مادرش و بلکه از خود او مہربان‌تر است، در نتیجه ترس و

---

۱ – تیسیر الکریم الرحمن نوشته علامه سعدی (۷۵۶).



و اهمه‌اش از بین رفته و قلباً احساس امنیت و آرامش می‌کند و با توبه و عبادت و محبت و دعا و نیایش به سوی خدایش روی می‌آورد.

از مزایای اسلام در زمان انتشار و با کثرت اجر و پاداش است. درست است که مسلمان همانند دیگران به بیماری‌ها و امراض مُسری گوناگونی مبتلا می‌شود اما او اجر و پاداش‌های بی‌حساب کسب می‌کند، زیرا او به این فرموده‌ی خداوند ایمان دارد که می‌فرماید:

{إِنَّمَا يُوفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ} [زمر: ۱۰]

(همانا صابران پاداش خود را بی‌حساب [و] به تمام خواهند یافت).

معنایش این است که انسانی که در هنگام بلا و آزمایش صبر پیشه می‌سازد به اجر بی‌شمار و بی‌حد و حصر دست می‌یابد.

تصور کن دو شخص به یک بیماری مبتلا می‌شوند؛ یکی از آن‌ها باور دارد که با صبر پیشه ساختن به اجر و پاداش بی‌شمار دست می‌یابد و دیگری به چنین چیزی باور ندارد. حال او چگونه خواهد بود؟ روحیه‌اش چگونه خواهد بود؟! بی‌شک چنین کسی به شدت احساس درد و حسرت و پوچی و سرشکستگی می‌کند.

اما مسلمان در پرتو وعده‌ای که پروردگار به او داده احساس آرامش می‌کند. از این روی، روحیه‌ی یک مسلمان در هنگام نزول بلا با روحیه‌ی یک مادی‌گرا که به این پاداش‌ها باور ندارد بسیار متفاوت است.

از مزایای اسلام در زمان انتشار و با آشکار شدن هماهنگی میان باور مسلمانان در رابطه با پروردگارش و شرایط واقع است. انسان مسلمان باور دارد که آفریدگارش

مُدبّر هر چیز است و او انسان‌ها را به حال خود وانگذاشته و تقدیر او رد نمی‌شود و کسی در ورای حکم او حکمی نمی‌کند و بر هر چه بخواهد بکند توانا است و او قوی و قدرتمندی است که هیچ کسی توان رویارویی با قدرت او را ندارد. زمین و زمان در قبضه‌ی اوست و انسان هر چه پیشرفت کند در مقابل قدرت و تدبیر الهی ضعیف است و مانند این معانی عظیم مرتبط به ذات الهی و جلال و ملکوت او.

با پیدایش این وبا در زندگی مردم این معانی به‌وضوح برای غافلان و روی‌گردانان نمایان گردید. از زیباترین آیاتی که در این سیاق می‌توان به آن اشاره کرد آیه‌ی ذیل است:

{إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَيَّنَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ} [يونس: ۲۴]

(مثال زندگی دنیا همانند آبی است که از آسمان نازل کردیم، سپس بر اثر آن گیاهان گوناگون زمین از آن چه مردم و چهارپایان می‌خورند؛ روئید، تا زمانی که زمین پیرایه‌ی خود بگرفت و آراسته شد و اهل آن گمان کردند که خود بر آن چیره اند [ناگهان] فرمان ما در شب یا روزی فرارسد و آن چنان آن [کشتزار] را درو کنیم که گویی دیروز هرگز [کشتزاری] نبوده است. این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌اندیشند به تفصیل بیان می‌کنیم).

این آیه تبیین‌گر حال بسیاری از جوامع مادی‌گرای معاصر است. جوامعی که دنیا برایشان گشوده شد و به ظن خود هر اسباب راحتی و خوشبختی را فراهم نموده و تصور کردند همه چیز باب میل است و هیچ بیماری و آسیبی به آن‌ها نمی‌رسد اما ناگهان در یک شب و روز همه چیز دگرگون می‌شود و همه در ترس و سرگردانی به‌سر می‌برند. این خود نشان از ضعف و ناتوانی انسان و عظمت پرودگارِ مُدبِرِ این هستی دارد.

انسان مسلمان وقوع بلا و مصیبت را در تعارض با خدا باوری‌اش نمی‌داند، بلکه بلاها و مصیبت‌ها مایه‌ی تقویت ایمان او به خداوند و سبب تعلق شدید او به پرودگارش و تصدیق ربوبیت و تدبیر و حُکم و حکمت او خواهد بود، در نتیجه این بلاها برای مسلمان موعظه‌ای رسا و منبعی برای آرامش خواهد بود و نسبت به درستی پندارهای خدا باورمندان‌اش یقین حاصل می‌کند.

از مزایای اسلام در زمان انتشار و با، مبارزه با خرافات است. اسلام همان‌گونه که افق‌های خردمندی مسلمان را گسترش داده و ایمان را در دلش تقویت نموده و او را امیدوار ساخته است، هم‌زمان با آن راه را بر ورود خرافات به عقل او بسته و دل بستن به خرافه و دروغ را بر او حرام کرده است.

اسلام شوم‌انگاری را حرام کرده است، خواه این شوم‌انگاری به دیدنی‌ها باشد و خواه به شنیدنی‌ها و اطلاعات، و این شوم‌انگاری‌ها در زمان شیوع بیمارهای واگیردار بشدت تقویت می‌شود و بر بسیاری دل‌ها اثر می‌گذارد.

پیامبر- صلی الله علیه وسلم- می‌فرماید: «هیچ بیماری‌ای که - بدون اذن و اراده‌ی الهی - منتقل شود وجود ندارد و شوم‌انگاری روا نیست، و از بیمار جذامی فرار کن آن‌گونه که از شیر می‌گریزی»<sup>۱</sup>، و در جای دیگر می‌فرماید: «از ما نیست کسی که شوم‌انگاری کند و کسی که برای او شوم‌انگاری کنند و کسی که ادعای غیب‌گویی کند و کسی که برای او غیب‌گویی کنند»<sup>۲</sup>.

انسان مسلمان در زمان بحران‌ها و انتشار بیماری‌های مُسری و وب‌ها به خرافات و خیال‌پردازی‌ها و خبرهای دروغ متوسل نمی‌شود و به نزد ساحران و فال‌گویان نمی‌رود و به سراغ قبرها و بارگاه‌ها نمی‌رود، بلکه تنها به خدا روی می‌آورد و بر او توکل می‌کند و به اسباب معتبر این جهانی چنگ می‌زند.

از مزایای اسلام در زمان انتشار وب‌ها، بزرگداشت سلامتی است. انسان مسلمان با این‌که باور دارد هر چیزی از پیش نزد خداوند نوشته و مقدر شده است، برای حفاظت از سلامتی و تندرستی خود تلاش می‌کند. ایمان انسان به تقدیر الهی معنایش این نیست که در زمان بحران برای حفاظت از سلامتی خود احتیاط نکند و خود را در معرض بیماری‌ها قرار دهد.

خداوند به انسان‌ها دستور داده که خود را از هر آن‌چه منجر به هلاکت می‌شود دور کنند و به سلامتی خود توجه داشته باشند، و می‌فرماید:

---

۱- روایت بخاری (۵۷۰۷).

۲- روایت بزار در مسند (۳۵۷۸).

{ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ } [بقره: ۱۹۵]

(و خود را با دستان خویش به هلاکت نیندازید).

این نهی عام شامل هرگونه زیان دینی و دنیوی می‌شود.

علامه سعدی در رابطه با عمومیت و شمولیت این آیه بر همه‌ی جوانب زندگی می‌گوید: «خود را به هلاکت انداختن به دو قضیه باز می‌گردد: ترک آن‌چه انسان به آن مأمور شده، چرا که ترک مأمورات مایه‌ی هلاکت بدن و روح می‌شود و فعل آنچه مایه‌ی هلاکت و از بین رفتن جان و تن می‌شود که شامل امور مختلفی می‌شود، مانند: ترک جهاد در راه خدا یا هزینه کردن در آن که موجب تسلط و سیطره‌ی دشمنان اسلام می‌شود، همچنین رفتن به سفرهای پرخطر یا اماکن پر از حیوانات درنده یا بالا رفتن از درخت یا ساختمان خطرناک و یا رفتن زیر چیزی که هر آن احتمال سقوط دارد و ... همه‌ی این‌ها مصادیق خود را به هلاکت انداختن است»<sup>۱</sup>.

و پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می‌فرماید: «از خداوند عفو و عافیت و تندرستی بخواهید؛ چرا که پس از یقین هیچ نعمتی بهتر از عافیت و تندرستی به انسان داده نشده است»<sup>۲</sup>، و از دعاهای پیامبر - صلی الله علیه وسلم - این بود که می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ خَلَقْتَ نَفْسِي وَأَنْتَ تَوْفَاها لَكَ مَمَاتِها وَمَحْيَاها إِنْ

---

۱ - تیسیر الکریم الرحمن (۹۰).

۲ - روایت ترمذی (۳۵۵۸).

أحييتها فاحفظها و إن أمتها فاغفر لها اللهم إني أسألك العافية<sup>١</sup> ترجمه:  
«خدایا تو مرا آفریدی و تو مرا می‌میرانی، مرگ و زندگی من به دست توست، اگر مرا  
زنده داشتی از من حفاظت کن و اگر مرا میراندی از من درگذر، خدایا از تو عافیت و  
تندرستی می‌طلبم».

مراد از عافیت، سلامتی و تندرستی از بیماری‌هاست. خود را در بلا و مصیبتی انداختن  
که مشخص نیست انسان را یارای تحمل آن باشد یا نه از مقاصد اسلام نیست. اساس  
تشریح و عبادت خداوند بر حالت طبیعی انسان‌های سالم است و چنانچه حالتی خارج  
از اصل پیدا شد احکام ویژه‌ی خود را خواهد داشت اما باید دانست این استثناء است و  
نه اصل.

برای همین اسلام در هنگام انتشار بیماری‌های واگیر دار به ما دستور قرنطینه داده  
است، زیرا اسلام عافیت و سلامتی و تندرستی را بزرگ می‌شمارد و برای تحقق آن  
تلاش می‌کند. همان‌گونه که اسلام با شرایع و قوانین خود به دین انسان‌ها توجه دارد  
به دنیا و سلامتی و تندرستی آن‌ها نیز توجه دارد.

آری، غیر مسلمان هم نسبت به سلامتی و تندرستی خود توجه نشان می‌دهد، اما تفاوت  
است میان کسی که به مجرد حیاتی بودن سلامتی‌اش به آن توجه دارد و کسی که بر  
این باور است که خداوند توجه به سلامتی را دوست دارد و به آن امر می‌کند. وی در  
مقابل امتثال امر الهی اجر و پاداش کسب می‌کند و در صورت کوتاهی و بی‌توجهی به  
سلامتی‌اش گناه‌کار می‌شود، لذا اگر چه توجه به سلامتی امری فطری است اما اسلام

---

۱ - روایت مسلم (۸).

به آن بُعد تعبدی داده، لذا توجه به سلامتی و بهداشت برای انسان مسلمان دارای چند بعد است.

از مزایای اسلام در زمان انتشار و با، همکاری و نیکوکاری است. هیچ دینی را نخواهید یافت که مانند اسلام پیروانش را به نیکوکاری و کمک به انسان‌ها و خدمت‌گذاری بویژه در شرایط بحرانی تشویق کرده باشد.

نصوص شرعی مرتبط با تقویت روابط اجتماعی بسیار است اما جامع‌ترین آن این فرموده‌ی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است که می‌فرمایند: «هر کس یک سختی از سختی‌های دنیا را از مؤمنی دور کند خداوند یک سختی از سختی‌های روز قیامت را از او دور می‌کند و کسی که بر بدهکار ناتوانی آسان بگیرد خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان می‌گیرد و هر کس عیب مسلمانی را در دنیا بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت عیب‌هایش را می‌پوشاند و خداوند یاری‌گر بنده است مادامی که بنده یاری‌گر برادرش باشد.»<sup>۱</sup>

پژوهش‌گران آثار بسیاری در رابطه با کیفیت جوامع انسانی در اسلام به رشته‌ی تحریر در آورده و تأکید کرده‌اند مهم‌ترین ویژگی‌های جوامع مسلمان نمایان بودن همکاری‌ها، خیرخواهی‌ها و مهرورزی در دوره‌های سخت و دشوار و بحران‌ها است. شاید بهترین کسی که در این زمینه قلم فرسایی کرده شیخ محمد ابوزهره در کتاب «جامعه‌ی انسانی در سایه‌ی اسلام» باشد که در آن به بیان منهج اسلام در ساخت

---

۱ - روایت مسلم (۲۶۹۹).

جامعه و مهم‌ترین قوانین اسلام در این رابطه پرداخته است. وی در بیان روی‌کرد اجتماعی اسلام می‌گوید: «جامعه در اسلام یک جامعه‌ی معنوی است به این معنا که: روابط اجتماعی برخاسته از روابط ادبی و دوستی و مهرورزی است نه بر اساس مادی‌گرایی محض... مثال جامعه‌ی مادی‌گرای محضی که بر پایه‌ی اقتصاد استوار است مانند سنگ‌هایی است که بدون ارتباط محکم در کنار هم چیده شده‌اند، هر چقدر این چینش‌ها مهندسی شده باشد امکان ندارد به هم چسبیده و متصل شوند. همین است که با کوچک‌ترین بادی فرو می‌ریزند و هیچ جامعه‌ای دوام نمی‌آورد مگر اینکه مهندسش ماهر باشد و درزهای دیوار را بپوشاند و آجرها را به هم مرتبط سازد.

اما جامعه‌ی معنوی برخاسته از اساس و پایه‌ی روحی میان اجزای آن بوده و آجرها و خشت‌هایش به هم چسبیده و غیرقابل ریزش است ما دامی که با روح و دین تغذیه می‌شود، شاید هم از لحاظ اقتصادی یا هندسی هماهنگی چندانی نداشته باشند اما بنیان و اساس‌اش قوی است و هیچ بادی آن را فرو نمی‌ریزند»<sup>۱</sup>.

برای همین در جوامع اسلامی هنگام شیوع بیماری‌ها واگیردار کمپین‌های خودجوش و داوطلب برای کمک به نیازمندان و مستمندان راه‌اندازی می‌شود. کافی است در شبکه‌های اجتماعی اخبار کمک‌رسانی‌ها در کویت، الجزایر، مصر، فلسطین، عربستان سعودی و هر کشور دیگری را پی‌گیری کنید.

---

۱ - المجتمع الإنساني في ظل الإسلام (۱۲۱).



چنین روحیه‌ای امکان وجود ندارد مگر این‌که مصدر و منبع واحدی باشد تا این انسان‌های دور از هم افتاده در پهنای جغرافیا به فریاد هم برسند. این اصل اسلام و نور وحی است که خیرخواهی و به‌فریاد نیازمندان رسیدن را در وجود آن‌ها قرار داده است.

در مقابل وقتی به جوامع مادی‌گرای محض نگاه می‌کنی خواهی دید در زمان بحران‌ها هر کس به فکر جان خود بوده و برای دسترسی به بیشترین مقدار مواد غذایی و مواد مورد نیاز زندگی جهت انبار کردن در خانه با هم درگیر می‌شوند، تا چه برسد به آن‌که به فکر سیر کردن مستمند یا رفع حاجت نیازمند باشند.

این اسلام است عزیزان، دینی که بزرگ‌ترین معجزه‌ی اصلاحی را در جهان به وجود آورده و بزرگ‌ترین تحول را در زندگی انسان ایجاد کرده است. ابوالحسن ندوی در رابطه با تأثیر اسلام در اصلاح انسان‌های جاهلی و ایجاد تحول در آن‌ها می‌گوید: «تحولی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - در نفس و جان مسلمانان ایجاد کرد و جامعه‌ی انسانی آن‌ها را متحول نمود از عجیب‌ترین قضایای تاریخ انسانی است. این تحول از همه نظر پر از شگفتی بود: در سرعتش، در عمقش، در گستردگی و شمولیتش، در روشنی و ساده فهم بودنش، مانند دیگر رویدادهای خارق‌العاده پیچیده نبود و معما هم به حساب نمی‌آمد».

پس از آن به بیان تأثیر اسلام در دل‌های اهل جاهلیت و اصلاح وجودی آن‌ها پرداخته و می‌گوید: «عرب‌ها و تازه‌مسلمانانی که اندوخته‌ی معرفتی ناچیزی داشتند دارای معرفت و شناخت عمیقی شدند که بر جان و روح و قلب و جوارح تأثیر

می‌گذاشت و اخلاق و جامعه را دگرگون کرده و بر زندگی و هر آنچه به آن مرتبط می‌شد سیطره می‌یافت.

ایمان آوردن به خداوندی که دارای اسمای نیک است، به پرودگار جهانیان، مهربان و مہروز، مالک روز جزا، پادشاه، ستوده شده، میهن و چیره، جبار، متکبر، آفریدگار، تصویرگر، عزیز، حکیم، آمرزنده، آن‌که فرمانروایی همه‌ی موجودات را در دست دارد، او که پناه می‌دهد، و کسی در برابر او پناه داده نمی‌شود و ادامه‌ی اوصافی که در قرآن آمده است... او که با بهشت پاداش می‌دهد و با دوزخ مجازات می‌کند، روزی‌اش را برای هر کس بخواهد فراخ می‌کند و برای هر کس بخواهد تنگ و محدود می‌سازد، از نمان‌های آسمان‌ها و زمین مطلع است و خیانت چشمان و نمان‌های دل‌ها را می‌داند و دیگر اوصافی که در بیان قدرت و علم او در قرآن آمده است.

روحیه‌ی آن‌ها با این ایمان عمیق روشن دچار دگرگونی شگرف و عجیبی شد. به محض این‌که ایمان می‌آوردند و گواهی می‌دادند که خدای برحق‌ی جز الله نیست زندگی آن‌ها متحول می‌شد و ایمان بر ذره ذره‌ی وجودشان نقش می‌بست و به همه‌ی رگ‌ها و احساسات و عواطف آن‌ها نفوذ می‌کرد و مانند روح و خون در درونشان جریان پیدا کرده و میکروب‌های جاهلی را از ریشه نابود می‌کرد و عقل و دل را با آب گوارای چشمه‌ای زلال سیراب می‌کرد و از آن شخص انسان دیگری می‌ساخت که شگفتی ایمان، یقین، صبر و بردباری، شجاعت و رفتارهای شگرف و اخلاق و منش خارق‌العاده‌اش عقل و خرد و فلسفه و تاریخ اخلاق را حیرت‌زده کرد. این حیرت‌زدگی همچنان باقی است

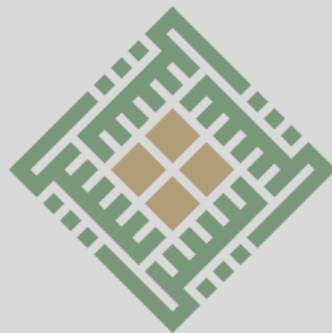
و تا ابد ادامه خواهد داشت و هیچ علمی قادر به علت یابی آن نیست جز ایمان کامل و عمیقی که به خداوند داشتند»<sup>۱</sup>.

والحمد لله رب العالمین

---

۱ - ماذا خسر العالم بانحطاط المسلمين (۸۵).

ارائه شده توسط:



مرکز مطالعات اسلامی بینش

[www.Binesh.cc](http://www.Binesh.cc)